

سیر فرهنگ در آسیای مرکزی

مقدمه

شناخت اصولی کشورها یک گام ضروری در جهت بسط و تعمیق مناسبات در ابعاد مختلف آن است. آشنایی جامع با پیشینه‌ی تاریخی، ساختار قومی، مذهبی، سیاسی، ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه یک کشور دورنمای مناسبات را در افقی روشن قرار دهد.

از عهد باستان آسیای مرکزی یک حلقه اتصال فرهنگی و اقتصادی بین اروپا و آسیا محسوب می‌شده است جاده باستانی ابریشم، مسیر کاروان، بود که امپراطوری رم را از طریق حوزه خزر و آسیای مرکزی به هند و چین متصل می‌کرد و دو جهان را به هم مرتبط می‌ساخت از این رو آسیای مرکزی در آن زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز شناخت مسایل این جمهوری‌ها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی به دلیل قرابت‌های تاریخی، فرهنگی و دینی با ایران ضروری به نظر می‌رسد و این شناخت بدون مطالعه‌ی تاریخ تحولات این مناطق به دست نمی‌آید. منطقه‌ی آسیای مرکزی شامل پنج کشور ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان می‌شود در برهه‌ای از تاریخ، آسیای مرکزی به منطقه‌ای محدود در ماوراءالنهر اطلاق می‌شد و در مقطعی دیگر قلب آسیا، از سبیری تا سلسله جبال پامیر و از مغولستان تا رودخانه ولگا را شامل می‌شده است. حوزه نفوذ فرهنگی و سیاسی ماوراءالنهر که از مهم‌ترین مراکز تمدن شرقی است طبق مستندات تاریخی از ترکستان یعنی نواحی واقع در بین متصرفات مسلمانان و مناطق تحت حاکمیت چین که صحرائشینان ترک و مغول آن را مسکون ساخته بودند تا افغانستان و پاکستان و سین کیانگ چین گسترده بود و حتی گسترده منطقه نفوذ فرهنگی آن از این مرزها فراتر رفته است.

• مهدی احمدی

دانشجوی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران



معرفی کتاب

کتاب «تحولات تاریخی و فرهنگی در آسیای مرکزی» در ۳۹۸ صفحه شامل یک مقدمه، پنج بخش یک مؤخره و در پایان یک کتابنامه می‌باشد. بخش اول کتاب ذیل عنوان «کلیات» از سه فصل تشکیل شده است. مؤلف در فصل اول با عنوان «آسیای مرکزی و ویژگی‌های کلی منطقه» به بررسی کلی این مناطق از لحاظ جغرافیایی، نژاد، زبان و جمعیتی می‌پردازد. وی

■ تحولات تاریخی و فرهنگی در آسیای مرکزی

■ دکتر حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی؛ دکتر فردین باقری؛ دکتر

سیروس برنا

■ تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران، چ

اول، ۱۳۸۷، ۳۹۸ صفحه



می‌آورد که «احمدبن یعقوب جغرافیدان قرن سوم هجری در کتاب البلدان که در سال ۲۸۷ هـ ق تألیف شده از تمام مناطقی که امروزه به نام آسیای مرکزی خوانده می‌شود به نام بخشی از خراسان بزرگ نام برده است.»^۱ مؤلف در ادامه می‌نویسد که «در دایره‌المعارف روسیه تزاری واژه‌ای به نام آسیای میانه به عنوان یک محدوده جغرافیایی مشخص یا واحد سیاسی به چشم نمی‌خورد ولی با دو عنوان ترکستان و ماوراءالنهر روبه‌رو می‌شویم.»^۲ نویسنده فصل دوم از بخش اول را به «شاخصه‌های تاریخی و فرهنگی جوامع آسیای مرکزی» اختصاص داده سات وی در این فصل می‌نویسد که پنج کشور آسیای مرکزی دارای ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی مشترکی از جمله ادغام طبیعی و جغرافیایی منطقه با کشورهای همسایه، همسانی‌های بوم‌شناختی، هم‌کیش دیرین، یگانگی‌های ذوقی و هنری، همسویی‌های عرفانی و اشراقی و هم‌زبانی‌های تاریخی، مستند که آشنایی با آن‌ها راه تحلیل‌های علمی را هموار می‌سازد.

نویسنده علت عقب‌ماندگی و ضعف کشورهای آسیای مرکزی را کشورسازی‌هایی به هر تقسیمی روسیه می‌داند که بازی‌های سیاسی انگلیس نیز در آن دخیل بوده است. هم‌چنین در ادامه به توضیح «نقش تاریخی فرهنگ در تحول جامعه»، «رشد یا توسعه جوامع»، «سلطه و از رشد ماندگی»، و «ارزیابی مجدد تاریخ آسیای مرکزی» می‌پردازد. مؤلف بر این عقیده است که کشورهای آسیای مرکزی باید با در نظر داشتن اصل‌هایی همچون: اصل استقلال، اصل فرهنگ‌گرایی، اصل هماهنگی میان نهادها و اصل فراگیر کالبدشناختی آینده شکوهمند خود را بسازد.

عنوان فصل سوم از بخش اول «ایران و آسیای مرکزی» است ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی از پیوندهای عمیق و گسترده تاریخی و فرهنگی برخوردار هستند که این پیوندها باید به نزدیکی هرچه تمام‌تر این جمهوری‌ها با جمهوری اسلامی ایران منجر شود. فرهنگ ایرانی همواره از طرف مردم آسیای مرکزی پذیرفته شده است و این فرهنگ توانایی گسترش در این مناطق را دارد.

مؤلف در این فصل به طور کلی به بررسی اشتراکات ایرانیان با ملل آسیای مرکزی پرداخته است که عبارتند از: ۱- اشتراکات فرهنگی و تاریخی ۲- هم‌آیینی و هم‌کیشی ۳- اشتراکات زبانی با برخی از اقوام ۴- قرابت جغرافیایی ۵- حضور ایرانیان مقیم ۶- امتیاز تعاملات متقابل وی در ادامه عنوان می‌کند که فعالیت‌های فرهنگی کشورمان در کشورهای دیگر زمینه ساز مناسبی در جهت تسهیل روابط سیاسی محسوب می‌شود و بر این عقیده است که ایجاد و ابقاء روابط فرهنگی ضرورتی جدانشدنی از زیست کنونی ما است.

بخش دوم کتاب بر «تمدن و فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی» اختصاص داده شده است. فرهنگ و تمدن ایران بدون رودکی، ابوعلی سینا، فردوسی، غزنویان، سمرقند و بخارا و بدون بسیاری دیگر از عناصر که در حال حاضر در خارج از چهارچوب سیاسی جغرافیایی فعلی کشور ایران قرار دارند، معنا و مفهومی ندارد. همان‌گونه که کشورهای آسیای مرکزی نیز به این امر در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران قدیم واقف بوده‌اند و با انکار آن هویتی

نخواهند داشت.

از نظر موقعیت اجتماعی و شرایط اقتصادی نیز کشور ایران و کشورهای پیرامون مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند انحصار کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان در خشکی و موقعیت منحصر به فرد ایران در ژئوپلیتیک منطقه، آینده این کشورها را نیز همچون گذشته به هم پیوند داده است.

بخش دوم از پنج فصل تشکیل شده است که عبارتند از فصل اول «ورود تمدن و فرهنگ ایران به ازبکستان»، فصل دوم «تأثیر پارسی‌زبانان ایرانی بر تاجیکستان»، فصل سوم «ترکمنستان از آغاز تا جدایی از ایران»، فصل چهارم «تعامل ایرانیان با قزاق‌ها» و فصل پنجم «از خراجگذاری ایران تا استقلال قرقیزستان» مؤلف در این فصول به توضیح و بررسی مشترکات تاریخی این جمهوری‌ها با جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

بخش سوم کتاب با عنوان «سیر تحولات تاریخی در جمهوری‌های آسیای مرکزی»، از پنج فصل تشکیل شده است که مؤلف در این فصول به بررسی تحولات کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و تاجیکستان از دوران باستان تا به امروز پرداخته است مطالب این فصول بیش‌تر به تحولات سیاسی بعد از ۱۹۹۰ یعنی روی کار آمدن کسانی مانند نظر یایف در قزاقستان، کرییم‌اف در ازبکستان، نیازاف در ترکمنستان، آقایف در قرقیزستان و رحمان اف در تاجیکستان، اختصاص داده شده است. چون سرزمین‌های آسیای مرکزی از قدیم گذرگاه جاده‌های بازرگانی بین

از عهد باستان آسیای مرکزی یک حلقه اتصال فرهنگی و اقتصادی بین اروپا و آسیا محسوب می‌شده است

جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز از این امر مصون نمی‌باشند چندپارگی‌های جامعه در این منطقه و به‌وجود آمدن بحران هویت، خود دلیلی بر تداوم ساختار اقتدارگرای حکومت‌ها شده است.^۴ بخش پنجم کتاب «اسلام در آسیای مرکزی» از سه فصل تشکیل شده است. فصل اول با عنوان «ورود اسلام و شکل‌گیری دولت‌های اسلامی در منطقه» نام‌گذاری شده است.

آسیای مرکزی معمولاً بخشی از امپراطوری ایران قبل از اسلام بود و حکام آن خراجگذار و منصوب شاهان ایران بودند پس از ورود اسلام در فاصله کوتاهی این مناطق زیر پرچم اسلام درآمد و مردم آن در منتهی‌الیه شمال و شرق حوزه نفوذ اسلام زندگی می‌کردند.

مؤلف در خصوص ورود اسلام به آسیای مرکزی چنین می‌نویسد: «اسلام در سال ۶۵۱ م توسط مسلمانان به منطقه آسیای مرکزی وارد شد این امر ابتدا با مقاومت‌هایی روبه‌رو شد و منجر به پیکارهایی طولانی بین سال‌های ۷۰۵-۷۱۵ م گردید که در نهایت با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت.»^۵ وی در ادامه به بررسی تحولات آسیای مرکزی از ورود اسلام تا دوران برچیده شدن جانشینان تیمور به وسیله‌ی محمد شبیبانی در قرن دهم هجری (اواخر قرن ۱۵ میلادی) پرداخته است.

اسلام که وارد آسیای مرکزی شد می‌خواست یک منطقه یکپارچه ایجاد کند البته در قالب یک دولت ایرانی به‌نام سامانی و بعد در قالب ترکان. به‌همین دلیل به این‌جا ترکستان گویند شاید اگر اسلام وارد این منطقه نمی‌شد هیچ‌گاه حکومتی به‌وجود نمی‌آمد تساهلی که در این ناحیه بود باعث به‌وجود آمدن اسلام شرقی شد که نسبت به اسلام غربی تعصب کم‌تری داشت و کفرآمیزتر بود این کفرآمیزی به‌خاطر موج آمد و رفت اسلام بود که عناصر شرک‌آلود را از ادیان و عقاید دیگر وارد آن می‌کرد.

فصل دوم از بحث پنجم کتاب به «تصوف و عرفان در آسیای مرکزی» پرداخته است. تصوف مجموعه‌ای از آداب و سلوک صوفی به‌خداوند است که در اوایل پیدایش اسلام به‌وجود آمد. در آغاز تجربه‌ای کاملاً فردی و مبتنی بر ارتباط میان مرید و استاد او بود که به تفاوت شیخ، مرشد، پیر، استاد با ایشان نامیده می‌شد و این پیر به تنهایی مسئولیت پیشرفت سالک را در طی طریق به سوی خدا به‌عهده داشتند. در این فصل مؤلف به معرفی پنج طریق نقشبندیه، قادریه، کبرویه، یسویه و ایشانیه که در اتحاد شوروی فعالیت می‌کردند پرداخته است وی می‌نویسد که «درهم آمیزی فرقه‌های تصوف

شرق و غرب آسیا و اروپا، و در عین حال، محل عبور اقوام مهاجر شمال بوده، نقش آن در شکوفایی اقتصاد و توسعه مبادلات بازرگانی، علمی، فنی و فرهنگی بین شرق و غرب و جنوب و شمال آسیا از یک طرف و وقوع بحران‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای و جهانی از طرف دیگر بر کسی پوشیده نیست.

مؤلف در ادامه می‌آورد که «جمهوری‌های آسیای مرکزی همانند کشورهای مشابه خود در جهان سوم در وهله نخست به دنبال ثبات سیاسی هستند و سپس روند آزادسازی سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهند. این جمهوری‌ها پس از فروپاشی اتحاد شوروی تلاش گسترده‌ای را برای ایجاد ساختارهای قانونی نوین آغاز کردند. آن‌ها برای تحقق این امر از الگوهای غربی بهره‌برداری کرده‌اند.»^۶

بدون شک می‌توان به این نتیجه رسید که بررسی تحولات آسیای مرکزی جدای از تحولات کشورهایی مانند ایران و روسیه امکان‌پذیر نخواهد بود زیرا در بسیاری از دوران تاریخی آسیای مرکزی جزئی از ایران بوده و دوران‌هایی هم زیر سلطه‌ی روسیه، و این دو کشور نقش محوری در تحولات این مناطق داشته‌اند.

بخش چهارم کتاب تحت عنوان «مسایل فرهنگی آسیای مرکزی» از هشت فصل تشکیل شده که عبارتند از فصل اول «قومیت» فصل دوم «هویت»، فصل سوم «زبان»، فصل چهارم «خط»، فصل پنجم «مذهب»، فصل ششم «ادبیات»، فصل هفتم «موسیقی و تئاتر» و فصل هشتم «مراکز فرهنگی» منطقه آسیای مرکزی در طول تاریخ منزلگاه ترکیبی غنی از مردمان، زبان‌ها و فرهنگ‌ها بوده است که درون آن گروه‌های مختلف، لهجه‌های متفاوت و شیوه‌های مختلف زندگی یافت می‌شد. بررسی مسایل فرهنگی این مناطق دارای مشکلات خاص است و این امر به دلیل موزاییکی بودن این منطقه از نظر فرهنگی می‌باشد زیرا هیچ جامعه بزرگی در جهان به اندازه‌ی آسیای مرکزی از روزگار کهن تا عصر حاضر چنین آشکارا در برخورد و تبادل با همه‌ی فرهنگ‌ها و تمدن‌های شرق و غرب جهان قرار نداشته است.

از لابه‌لای فصول هشت‌گانه بالا چنین به‌دست می‌آید که کشورهای آسیای مرکزی در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی با کشور ایران دارای مشترکاتی هستند که اطلاع پیدا کردن در مورد آن‌ها ضروری است.

مؤلف در این فصول به این نکته اشاره می‌کند که «چند پارگی‌های قومی، زبانی و مذهبی قطعاً می‌توانند از موانع سازش ملی و توسعه سیاسی باشند

آسیای مرکزی

حوزه نفوذ فرهنگی و سیاسی ماوراءالنهر که از مهم‌ترین مراکز تمدن شرقی است از ترکستان تا افغانستان و پاکستان و سین‌کیانگ چین گسترده بود و حتی گسترده منطقه نفوذ فرهنگی آن از این مرزها فراتر رفته است

و چین می‌دانند و این امر محیط مناسبی برای آمریکا به وجود می‌آورد. مؤلف در ادامه در ذیل مقابله با اسلام تندرو در آسیای مرکزی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م چنین می‌نویسد: رهبران آسیای مرکزی به سرعت مراتب آمادگی خود را برای حمایت از جنگ علیه تروریسم اعلام داشتند. ازبکستان و قرقیزستان به عنوان شرکای کلیدی در این بخش درآمدند. در اکتبر ۲۰۰۱ م سربازان آمریکایی به خان آباد، پایگاه هوای سابق شوروی در ازبکستان واقع در نزدیکی مرزهای افغانستان وارد شدند. پایگاه دیگری در قرقیزستان در مناس فرودگاه بین‌المللی سابق تأسیس گردید.^۹

نکاتی چند در مورد کتاب

هر چند کتاب در نوع خود اثری ارزشمند است اما دارای ایراداتی است که با بیان این ایرادات از ارزش کتاب کاسته نمی‌شود.
* نویسنده در این کتاب مطالبی را عیناً از مقالات نقل کرده است مثلاً صفحات ۹ تا ۱۸ کتاب با مقاله‌ای از ناصر تکمیل همایون تحت عنوان «نقش فرهنگ در چگونگی رفع موانع رشد هماهنگ در آسیای مرکزی» که در بهار ۱۳۷۳ در مجله مطالعات قفقاز و آسیای مرکزی چاپ شده، یکی است تصمیم‌گیری در مورد بقیه مطالب کتاب به عهده خوانندگان گرامی گذاشته می‌شود.
* در این کتاب اشتباهات چاپی فراوانی دیده می‌شود مثلاً ص ۹۳ «دوی» به جای «روس»، ص ۲۹۳ «امگلیس» به جای «انگلیسن»، ص ۲۸۲ «فدئوزور» به جای «فئودور» و ...

پی‌نوشت:

- ۱- دکتر حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی و دکتر فردین باقری و دکتر سیروس برنا؛ تحولات تاریخی و فرهنگی در آسیای مرکزی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳.
- ۲- همان، ص ۳.
- ۳- همان، ص ۹۳.
- ۴- همان، ص ۱۰۲.
- ۵- همان، ص ۲۶۳.
- ۶- همان، ص ۲۶۸.
- ۷- همان، ص ۲۸۳.
- ۸- همان، ص ۳۳۶.
- ۹- همان، صص ۳۶۴-۳۶۳.

تعیین هویت آنان را دشوار می‌کند، به‌ویژه در آسیای مرکزی که هواداران خود خواهان نادیده انگاشتن تعلقشان به این یا آن طریقت تاریخی‌اند.^۶ در ادامه به بررسی پیش‌روی روسیه در سرزمین‌های اسلامی از قرن ۱۶ میلادی تا قرن ۲۰ میلادی، تحولات اسلام و جنبش‌های دوران کمونیسم از جمله باسماچیان و جدیدی‌ها می‌پردازد. مؤلف می‌نویسد که «نیمه اول قرن هجدهم میلادی را می‌توان از لحاظ آزار مسلمانان با تیره‌ترین ادوار مبارزات ضد مذهبی استالین در سال‌های دهه ۱۹۳۰ م مقایسه کرد.»^۷

فصل سوم این بخش که فصل پایانی کتاب نیز می‌باشد به «اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی پس از فروپاشی کمونیسم و حادثه ۱۱ سپتامبر» اختصاص داده شده است.

با حملات ۱۱ سپتامبر به نیویورک واشنگتن عصر جدیدی آغاز شد و آمریکایی‌ها بیش‌تر و عمیق‌تر از نفوذ ارتش بریتانیا در قرن ۱۹ به اوراسیا نفوذ پیدا کردند از آن‌جا که هدف اصلی آمریکا حفظ موقعیت تک قطبی خود در قرن بیست یکم است هم‌چنان در این منطقه خواهد ماند چالش‌های احتمالی موجود در اوراسیا شامل هند- روسیه و چین است از نقطه‌نظر آمریکا چین قدرت رقیب عمده در اوراسیا است. مؤلف در این فصل به بررسی وضعیت اسلام پس از فروپاشی کمونیسم می‌پردازد و می‌نویسد که از سال ۱۹۸۰ میلادی به بعد در آسیای مرکزی سه دسته‌بندی اسلامی به وجود آمد
۱- اسلام سنتی ۲- اسلام مورد حمایت دولت ۳- اسلام تندرو

وی در ادامه به بررسی وضعیت نهضت‌های اسلامی در کشورهای آسیای مرکزی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر از دو عنوان یاد می‌کند که به دلیل روابط سران این نهضت‌ها با گروه‌های تروریستی دولت‌ها در پی انحلال این نهضت‌ها برآمدند. «ابتدا یکی از کارمندان سابق سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) با انتشار کتابی، آقای نوری رهبر نهضت اسلامی تاجیکستان را متهم کرد که در زمان حضور در افغانستان در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۳ م با بن‌لادن ارتباط و همکاری داشته است. نهضت به شدت این ادعا را تکذیب کرد پس از آن دولت با شدت روزافزون به تعقیب و بازداشت اعضا، به‌ویژه رزمندگان نهضت پرداخت. درگاه بعدی رحان‌اف، رئیس جمهور این کشور، اکثر اعضا و نمایندگان نهضت را که به بیش از پنجاه پست دولتی منصوب شده بودند از کار برکنار کرد.»^۸

بدون تردید کشورهای آسیای مرکزی، آمریکا را قدرتی موازنه‌ای علیه روسیه